

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

باده در خفاء

تازه جوانی به در شیخ رفت
گفت دوا چیست و چرا خورده ای

تا برهم از غم ریب و ریا
گفت چه گویم که چرا خورده ام

باده که غمباده زداید ز دل
نیست چو در شرع روا خورده ام

شیوه رندی نبود در خفا
رطل گرانی به ملا خورده ام

شیخ بشد قهر و جوان باز گفت
دارویی از بهر شفا خورده ام

گفت دوا از پی دفع مرض
خورده ای؟ گفتا بخدا خورده ام

گفت به پا می نتوانی ستاد
گفت من از خاطر پا خورده ام

گفت ز پا گر دو نقط کم کنی
از پی تقویت «با» خورده ام

گفت توهم جرعه ای از آن بنوش
تا که بدانی که چها خورده ام

شیخ چو از تقویت «باه» شنید
گفت من این گونه دوا خورده ام

گفت تو چیزی دگری خورده ای
تو ز کجا من ز کجا خورده ام

جام چو بگرفت به کف، شیخ گفت
من هم ازین رنج زدا خورده ام

باده نوشین به بر گلـرخـی

خورده ام اما به خفا خورده ام

(فرانکفورت - مارچ ۲۰۰۵ع)